

سالروز عملیات مرصاد



عملیات مرصاد در سال 1367 هجری شمسی

نفاق از پدیده های شوم و خطرناک جوامع انسانی بویژه جوامع اسلامی است که می تواند در اثر کوچکترین غفلت..

بشر المنافقون بأن لهم عذاباً الیماً. (ترجمه: منافقون را بشارت ده که برای آنان عذاب سخت دردناک خواهد بود.)

نفاق از پدیده های شوم و خطرناک جوامع انسانی بویژه جوامع اسلامی است که می تواند در اثر کوچکترین غفلت، زمینه تحقق توطئه های دشمنان را برای نابودی آن جوامع فراهم سازد. خداوند تبارک و تعالی در آیات فراوانی در قرآن مجید خطر منافقین را گوشزد می نماید، و ضمن کوبیدن شخصیت آنها سخت تحقیرشان می کند و رسوایشان می سازد تا در جامعه جرأت خودنمایی نداشته باشند. طبق آیات الهی، منافقین، علیه اسلام و جامعه اسلامی نقشه می کشند و از درون توطئه می کنند و با ظاهرسازی و چهره در نقاب می خواهند خدا را فریب دهند ولی خداوند از نقشه و توطئه و راز دل آنان آگاه است. و همه نقشه های آنها را نقش بر آب می کند و توطئه هایشان را به خودشان برمی گرداند.

ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم (ترجمه: همانا منافقون با خدا مکر و حيله می کنند و خدا نیز با آنها مکر می کند "یعنی مکرشان را باطل می سازد و بر آن مکر و نفاق، مجازاتشان هم خواهد کرد.")

آشکار شدن چهره نفاق سازمان مجاهدین خلق:

همزمان با اوجگیری نهضت اسلامی ایران و پیروزی آن در 1357، سازمان باصطلاح مجاهدین خلق با این اعتقاد که نظام مقدس جمهوری اسلامی نظامی مرتجع است و با بزرگ جلوه دادن خطر ارتجاع، مبارزه علیه انقلاب اسلامی و برنامه ریزی جهت به دست گرفتن حکومت را آغاز کرد.

سازمان با جمع آوری سلاح از پادگانها و جذب و اغفال نیروهای جوان و سازماندهی آنها در پی فراهم شدن يك زمینه اجتماعی مناسب بود. در ابتدا مزورانه خود را همگام و همراه نهضت اسلامی نشان می داد و حتی تمثال مبارک امام "ره" را نیز در کنار آرم سازمان قرار داده و از امام "ره" به عنوان رهبری قاطع و سازش ناپذیر یاد می کرد.

با پیروزی بنی صدر در اولین انتخابات ریاست جمهوری، منافقین وی را عامل مهمی برای رسیدن به اهداف خود یافتند و حمایت از او را در صدر برنامه های خویش قرار دادند.

با خیانت آشکار بنی صدر و وقایعی که پیرامون این خیانت به وجود آمد. مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت سیاسی بنی صدر و برکناری او داد و امام "ره" قاطعانه وی را ابتدا از فرماندهی کل قوا و سپس براساس اصل 110 قانون اساسی از ریاست جمهوری عزل نمودند.

با برکناری بنی صدر، منافقین زمینه اجتماعی را برای آغاز مبارزه علنی علیه نظام جمهوری اسلامی مناسب دیدند و به خیال خام خود زمان را برای سرنگونی حکومت مناسب یافتند.

اعلان جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران:

همزمان با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری، منافقین که تنها امید خود را از دست رفته می دیدند در تاریخ 30 خرداد 1360 با انتشار اطلاعیه ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ مسلحانه کردند و در صدد نابودی انقلاب اسلامی برآمدند. منافقین با ایجاد آشوب و هرج و مرج در شهرها، به آتش کشیدن وسایل نقلیه عمومی، ضرب و شتم مردم بی دفاع و ترورهای کورکورانه، علیه نظام اسلامی به پا خاستند؛ اما جبهه متحد ضد انقلاب به سرکردگی منافقین با رهنمودهای قاطع رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هوشیاری مردم حاضر در صحنه، در همان ساعات اولیه مضمحل شد. در این حادثه 14 تن از پاسداران انقلاب اسلامی و مردم به شهادت رسیدند.

سازمان که در این روز نتوانسته بود به اهداف خود برسد، جهت تضعیف نظام و ساقط نمودن آن، دست به ترورهای ناجوانمردانه زد و ترور شخصیتها را در سرلوحه کار خود قرار داد؛ اما از آنجایی که خداوند متعال وعده فرموده که کید و مکر منافقان را به خودشان بازمی گرداند با هوشیاری مردم و شناسایی مخفیگاههای آنها در داخل کشور توسط نیروهای انقلاب، کاملاً قلع و قمع شدند و سران سازمان که زمانی شعار مبارزه با امپریالیسم جهانی را سر داده بودند به دامان امپریالیسم پناهنده شدند و نوکری آنها را بر عهده گرفتند و در خارج از مرزهای کشور به توطئه ها و دسیسه های متنوع خود علیه نظام اسلامی ادامه دادند. امام "ره" در این رابطه فرمودند:

" اینان که از امپریالیسم انتقاد سرسختانه منافق گونه می کردند، اکنون معلوم شد که چهره واقعی آنان چه چهره کریه است و امروز به خوبی روشن است که اینان به دامان امپریالیسم پناهنده و با کمک آنان به توطئه علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند و با شایعه سازی و دروغ پردازی می خواهند جوانان معصوم را به دام بکشند و با استفاده از خون مظلومان و گول خوردگان، امر اربابانشان را اجرا کنند."

باعزل بنی صدر و رسوایی منافقان کوردل، کوششهای جبهه ضد انقلاب در ساقط نمودن انقلاب اسلامی خنثی شد و بار دیگر لطف و عنایت خداوندی شامل حال این امت گردید.

این پیروزی بزرگ، انقلاب سوم نامگذاری شد و مردم انقلابی که درگیر با رژیم بعث عراق بودند تمام توان خویش را بعد از این حوادث، جهت پیروزی در جبهه های جنگ معطوف کردند.

عملیات مرصاد، مرگ سیاسی و نظامی سازمان منافقین:

پذیرش قطعنامه 598 از سوی ایران، عراق را در بن بست سیاسی و نظامی شدیدی قرار داد، و توطئه های وسیعی را که از جانب استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده بود نقش بر آب کرد و بر گروهها و عناصر باصطلاح "اپوزیسیون" نیز شوک شدیدی وارد ساخت. در این میان، منافقین به عنوان تنها گروهی که همه حیثیت و هستی سازمان خود را در گرو جنگ نهاده بودند، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه توسط ایران متحمل شدند؛ و برای خروج از این بن بست، توطئه ای که مأموریت اجرایی آن را به عهده داشتند به مرحله اجرا درآوردند.

منافقین در تحلیلهای درون گروهی خویش، امکان قبول آتش بس از سوی ایران را غیر ممکن دانسته و به صراحت ادعا می کردند که جمهوری اسلامی تنها زمانی به صلح رضایت خواهد داد که از جنبه های سیاسی، نظامی و اقتصادی به بن بست کامل رسیده باشد و تحت چنین شرایطی سقوط رژیم حتمی و در نتیجه قدرت حکومتی به سازمان منتقل خواهد شد. بنابراین فرصت پیش آمده را زمان مناسبی برای دستیابی به اهداف پلید خود دانسته و علیرغم آن که طرح حمله به ایران برای سالگرد جنگ تدارک دیده شده بود، به دنبال پذیرش قطعنامه 598 از سوی جمهوری اسلامی، زمان آن دو ماه به جلو انداخته شد.

قبل از این، اطلاعاتی به دست آمده بود که رژیم عراق در صدد است، در مرحله جدید جنگ با استفاده از ضد انقلابیون دست به یکسری عملیات بزند، از آنجا که عراق به خاطر پذیرش قطعنامه، بهانه ای برای تجاوز جدید به ایران نداشت، با حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی، لجستیکی و هوایی از منافقین، نیروهای خود را از انجام دخالت مستقیم در ورود به عمق خاک ایران برحذر داشت. به همین منظور، ابتدا برای کاستن از حجم نیروهای خودی در غرب، اقدام به تک و وسیعی در خرمشهر نمود و سپس با هجوم و آتش سنگین در منطقه سرپل ذهاب و صالح آباد، این مناطق را به تصرف در آورد و راه ورود منافقین به داخل را هموار ساخت، عراق همچنین، پس از ورود منافقین به داخل، جهت پشتیبانی در چندین نوبت، اقدام به بمباران هوایی خطوط و نیروهای ایرانی کرد و هلیکوپترهای نیروی عراق نیز، طی این مدت مرتباً به پشتیبانی منافقین مشغول بودند.

هدف عملیاتی منافقین از حرکت سریعی که در عمق خاک ایران و با تانکهای برزلی دجله (دارای چرخهای لاستیکی و سرعتی معادل 120 کیلومتر در ساعت) انجام می شد، تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران بود.

منافقین در نظر داشتند با وارد کردن 13 تیپ نیروی رزمی در تهران، ضمن تسخیر و اشغال مراکز مهم، قدرت را به خیال خود به دست گیرند. بر طبق زمانبندی این طرح، نیروهای آنها بایستی ساعت 6 بعد از ظهر روز دوشنبه 3 مرداد به کرد و ساعت 8 شب به اسلام آباد و 10 شب به کرمانشاه رسیده و در این شهر، دولت خویش را اعلام نمایند. اگر چه در ساعتی مقرر به کرد و اسلام آباد رسیدند؛ اما در مسیر اسلام آباد - کرمانشاه در گردنه حسن آباد، از پیشروی آنها جلوگیری شد.

در این عملیات که منافقین نام "فروغ جاویدان" را انتخاب کرده بودند، باصطلاح با 25 تیپ (هر تیپ به طور متوسط شامل 200 نفر بود) شرکت داشتند و بدین ترتیب مجموعاً بین 4 تا 5 هزار نیروی عملیاتی وارد خاک ایران شدند.

در چارت مربوط به این عملیات که از منافقین به دست آمده، فرماندهی کل در رأس آن قرار داشته و از طریق مسئولین محورها، عملیات را هدایت می کرد.

مقارن ساعت 14/30، در تاریخ 67/5/3 منافقین و ارتش عراق، عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق سر پل ذهاب و هلی برد از جنوب گردنه "پاطاق" (نزدیکی سرپل ذهاب) آغاز و به طرف شهر "کوند غرب" پیشروی کردند و حدود ساعت 18/30 اولین تانکهای عراقی با آرم منافقین وارد شهر کوند غرب شدند و تا 5 کیلومتری جاده کوند - اسلام آباد اقدام به تعقیب اتومبیلهای شخصی در حال فرار کردند و مجدداً به شهر بازگشتند. در همین هنگام حدود 8 دستگاه تانک و نفربر به همراه نیروهای پیاده بعثی، شهر کوند غرب را به تصرف درآوردند، و سپس به طرف اسلام آباد غرب پیشروی کردند. بمحض رسیدن به مدخل شهر، اقدام به قطع برق و ارتباط مخابراتی و همچنین تیراندازی و آشفته نمودن اوضاع کردند. در همین حین تعدادی از نیروهای سپاه و مردم با دشمن درگیر شدند که به علت عدم انسجام نیروها و آمیختگی منافقین با مردم، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج شد و شهر به تصرف آنها درآمد. پس از تصرف شهر اسلام آباد، دشمن با استفاده از تعداد زیادی تانک "دجله" و خودرو به همراه تعدادی از نیروهای پیاده در جاده اسلام آباد به طرف کرمانشاه حمله کرد، لکن در منطقه حسن آباد (20 کیلومتری اسلام آباد) به دلیل سازماندهی جدید رزمندگان ایرانی و جمع آوری نیرو و نیز با توجه به رسیدن یگانهای منظم خودی، منافقین زمین گیر شدند. نیروهای خودی نیز در فاصله 200 متری آنان در ارتفاعات "چهار زبر" ضمن تشکیل خط پدافندی با نیروهای دشمن و ایجاد درگیری، بعد از ظهر روز 4 مرداد با محاصره شهر اسلام آباد، ضمن پاکسازی و آزاد نمودن شهر، به منظور انسداد عقبه و راه فرار دشمن سه راه اسلام آباد - کوند را قطع کردند و آنها را از دو سمت به محاصره در آوردند.

منافقین در گردنه حسن آباد متوقف شدند و نیروهای خودی با سازماندهی و طرح منظم و حساب شده در روز چهارشنبه 5 مرداد عملیات "مرصاد" را با رمز یا "علی بن ابیطالب(ع)" آغاز نمودند و طی چندین ساعت صدها تن از منافقین را به هلاکت رساندند و مابقی را به فرار واداشتند. در این عملیات، رزمندگان اسلام از قسمت سه راهی اهواز (پشت پمپ بنزین اسلام آباد) دشمن را دور زدند و تلفات زیادی به منافقین وارد کردند.

در حین عملیات نیز، هوانیرو با اعزام هلی کوپترهای کبری و نیروی هوایی با بمباران دقیق مواضع و ادوات منافقین، تلفات فراوان و مؤثری به آنان وارد ساختند. صرف نظر از امدادهای الهی، اصلی ترین عامل سرکوب این حرکت منافقین، هجوم گسترده نیروهای مردمی به جبهه ها و انگیزه قوی پدید آمده در آنان برای مقابله با دشمن بود که مرهون انفاس قدسیه امام خمینی "ره" و یادآور شور و هیجان روزهای نخستین جنگ بود.

در عملیات غرورآفرین "مرصاد" که برگ زرین دیگری در تاریخ جنگ تحمیلی هشت ساله است، بیش از دو هزار و پانصد تن از منافقین به هلاکت رسیدند و بیش از چهارصد دستگاه خودرو، نفربر و تانک آنان منهدم شد و باقیمانده نیروهای دشمن فرار به داخل خاک عراق را ترجیح دادند.

منافقین در این عملیات "راه بازگشت" حدود 5 هزار نفر از اعضا و هواداران خود را داده بودند. آنها آن قدر گرفتار توهمات ناشی از شبخ قدرت و نیروهای نظامی عراق شده بودند که تصمیم داشتند، حداکثر ظرف 2 روز نیروهای خود را به تهران بیاورند. رجی بر این تز پای فشاری می کرد که جمهوری اسلامی ایران و منافقین مثل دو مشت زن در رینگ بکس، با یکدیگر درگیر هستند و مردمی که تماشاگر این صحنه اند، برای طرف غالب ابراز احساسات می کنند.

مشخص است که این تحلیل، صرفاً یک تحلیل ذهنی بیمارگونه بوده که معیارهای واقعی را مدنظر قرار نداده و سازمان با این که در جریان بسیاری از تظاهرات و راهپیمایی ها، شاهد حضور گسترده مردم در حمایت از جمهوری اسلامی بود، روی عامه مردم حساب نکرده بود.

شواهد و قرائن و اسناد، حکایت از آن دارد که منافقین نسبت به پیروزی خود در حرکتی که آغاز کرده بودند، اطمینان بالایی داشته اند. در این حمله تقریباً همه افراد رده بالای سازمان شرکت کرده بودند. منافقین شرکت کننده در این عملیات بسیاری از اشیاء و لوازم شخصی و لوازمی که معمولاً یک نیروی عملیاتی به هنگام عملیات همراه خویش ندارد (نظیر پاسپورت، عکسهای خانوادگی، شماره تلفن دوستان) را با خود آورده بودند، آنها کاملاً مطمئن بودند که در طول مسیر خود با مقابله جدی و درگیری قابل توجهی از سوی رزمندگان اسلام مواجه نخواهند شد. و نهایتاً به دلیل عدم احتمال برخورد با نیروهای اسلام مؤفقیت خود را قطعی می دانستند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در تحلیلی که بعد از خنثی شدن توطئه ضد انقلاب و در رأس آنها منافقین در نماز جمعه تهران به عمل آوردند، اظهار داشتند:

”... اینها تحلیلشان این بود که ملت از رهبري جدا شده و مردم به جنگ نمی آیند. ارتش حاضر نیست همراهي بکند و پاسداران هم آن صلابت سابق را ندارند بنابراین اعماق خاک ایران نفوذ پذیر است.

... اینها فکر مي کردند که از خط اول ما عبور کنند پشت قضیه دیگر چیزی نیست. حتی تعداد افراد کمیته و سپاه هرجایی را هم تعیین کرده بودند. گفته بودند این مقدار نیرو در مقابل شما هست اینها با يك سیاست خاصی به داخل کشیده شدند.

... این کاری که به سر منافقین در عملیات ”مرصاد“ آمد، مصداق آیه ”انا فتحنا لك فتحاً مبيناً“ تا به اینجا می رسد که ”و يعذب المنافقين و المنافقات و المشركين و المشركات الظانين بالله ظن السوء عليهم دایره السوء“ است که مانند این است که اصلاً محاصره را مجسم کرده است. من وقتی این آیه را می خواندم چون که می دانستم اینها چطور تحت محاصره قرار گرفتند يك مصداق خوبی برای من بود.

... يك چنین ضربه اي را به غیر از هدایت الهی و غیر از انفاس قدسیه رهبري که قضیه را به خوبی به اینجا رساند هیچ قدرتي در دنیا نمی توانست طراحی و اجرا کند.“